

## نقش مؤسسات مجری میانجی‌گری (موضوع ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲)

عباس فخرائی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

### چکیده

در نظام حقوقی و آموزشی جمهوری اسلامی ایران که الهام گرفته از اسلام می‌باشد موقعیت وسیعی برای کاربرد میانجی‌گری، به‌عنوان یک وسیله غیرقضایی حل تعارضات وجود دارد. مطابق ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری، میانجی‌گری شامل جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت می‌شود که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است. مسائل مربوط به میانجی‌گری هم در دادسرا یا دادگاه زیر نظر دادستان عمومی و انقلاب یا رئیس حوزه قضایی محل قابلیت ساماندهی را دارد. در این میان برای حواله مسائل کیفری به میانجی‌گر، قاضی می‌بایست، مذاقه در موضوع اختلاف، صلاحیت، تخصص و مقبولیت وی نزد طرفین منازعه را داشته باشد و بعد از تأیید وی، می‌توان از میانجی‌گر کمک گرفت. همچنین اگر طرفین دعوا میانجی‌گر خاصی را در نظر نداشته باشند، مقام قضایی می‌تواند فردی را به آن‌ها معرفی کند. این فرد می‌تواند از میان ریش‌سفیدان منطقه یا فارغ‌التحصیلان دانشگاه با اولویت مددکار اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و البته حقوق انتخاب شود. البته به تشخیص مقام قضایی، موضوعات کیفری می‌تواند به مؤسسه میانجی‌گری ارجاع شود. در قانون، ویژگی‌هایی کلی برای میانجی‌گر برشمرده شده است، از جمله مورد وثوق بودن، داشتن تابعیت ایرانی برای میانجی‌گری در مورد اتباع ایران، عدم سوء شهرت و دارای حداقل ۲۵ سال سن. بر این اساس، سزاوار است که شارع مقدس با عنایت ویژه در جهت (میانجی‌گری بین مجرم و حاکم) (در جرائم قابل بخشش توسط حاکم) گام سودبخشی در مسیر (اجتماعی سازی) حل تعارضات و پاسخ به نقض قواعد بردارد.

واژه‌های کلیدی: مؤسسات مجری، میانجی‌گری، آیین دادرسی کیفری

## مقدمه

منشاء اصلی حقوق کیفری و دادرسی کیفری، عکس العمل نظام کیفری به جرائم است که در این مسیر، حکومت ها و دول، بیشترین دغدغه خود را مصروف پاسخدهی به پدیده مجرمانه می کنند و از این رو احتمال اینکه در تاجر پایه های اصلی آئین دادرسی کیفری، بزه دیده واگذاشته باقی بماند بسیار زیاد است، فلذا بابت جبران تاثرات وارده بر بزه دیده و عدم اختصاص جایگاه مناسب برای وی انتقاداتی به نظم کنونی عدالت کیفری وارد شده که ظهور رویکردی جدید تحت عنوان عدالت ترمیمی را در پی داشته است (مصدق، ۱۳۹۴: ۲۴۵). عدالت ترمیمی در عین حال واژه ای نو برای مفهومی قدیمی و سنتی می باشد و رویکردی است همه جانبه به مقوله جرم و بحث پیشگیری از آن و دارای اصول و مبانی و معیار و فرآیندهایی است که تغییر در هر یک از این فرآیندها عدالت ترمیمی را با مشکل و اختلال مواجه خواهد کرد. پس می توان گفت عدالت ترمیمی ساخته و پرداخته قانونگذار و دکترین نیست بلکه بیشتر از طریق مشاهده تجربه هایی که از دیرباز و به صورت سنتی بوده به دست آمده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۹۳۳).

نکته مهم در خصوص قوانین کیفری آن است که این قوانین به مناسبت تغییر زمان باید قابلیت تغییر و انعطاف و هماهنگی با شرایط زندگی اجتماعی را داشته باشد. از جمله مسائلی که مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است، بحث ناکارایی مجازات های معین در نظام عدالت کیفری می باشد (اعظمی، ۱۳۹۷: ۲). از این رو راهکارهایی جایگزین جهت حل و فصل اختلافات و دعاوی ارائه گردیده است. از جمله این راهکار ها، میانجیگری و حل و فصل دعاوی از طریق مذاکره و صلح و سازش می باشد که این امر به تازگی در مواد ۲۱ و ۲۳۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و آیین نامه میانجیگری کیفری مصوب ۱۳۹۵/۷/۲۸ مورد پذیرش قرار گرفته است.

میانجیگری فرآیندی است که طی آن بزه دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضای مناسب که فضایی غیررسمی و خارج از سیستم قضایی است در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می گردد. بررسی ها حاکی از آن است که این روش در نقاطی که به صورت قبیله ای اداره می شده و می شود، امروزه با شهری شدن جوامع و روند جهانی شدن، استقلال میانجیگری کمتر نمود پیدا می کند و تعمیم این فرایند به نهادهای رسمی و غیررسمی می تواند گام بلندی در راستای پیشبرد اهداف عدالت ترمیمی تلقی شود (میوه یان، ۱۳۹۷: ۷۰).

میانجیگری یکی از اصول ترقی یافته عدالت ترمیمی است و میانجیگری را به نوعی اساس و پایه عدالت ترمیمی برمی شمردند. در واقع میانجیگری می کوشد تا فضایی عاری از دلواپسی های معمول در سیستم قضایی و اداری را بوجود آورد و از این منظر در موقعیتی غیر رسمی طرفین اختلاف را در کنار یکدیگر جمع کرده و امکان گفتگو را فراهم آورد. علیرغم وجود پتانسیل های فراوان در بین اقوام ایرانی و وجود برخی قوانین پراکنده اما نظم به خصوصی در بحث قوانین مرتبط با عدالت ترمیمی در سیستم قضایی ایران وجود نداشت و بنظر می رسید که قانونگذاران ایران اهمیت چندانی نسبت به این امر مهم قائل نیستند لیکن تحولات جهانی و بشری، تراکم پرونده ها و کار دادگاه های کیفری و تورم جمعیت کیفری، قانون گذار ایران را در سال ۱۳۹۲ پس از سالها وجود پراکنده گویی در عدالت ترمیمی به این صرافت انداخت تا نظمی به این آشفته بازار وجود قوانین پراکنده و نامنظم دهد و از یک سو در مراجعه قضات به قوانین مربوط به عدالت ترمیمی و از سوی دیگر در دستیابی به عدالت ترمیمی مدون در سیستم قضایی تسهیلاتی بوجود آورد. از این رو در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مستند قانونی ارجاع

اختلاف به امر میانجیگری را مشخص نموده و مطابق با ماده ۸۴ این قانون آیین نامه میانجیگری در امور کیفری را در سال ۱۳۹۴ توسط وزیر دادگستری تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیات وزیران رسیده است. در خصوص وظایف میانجیگر نسبت به طرفین<sup>۱</sup> در یک نگاه کلی می‌توان گفت که میانجی باید به طرفین جهت حل و فصل اختلافات مساعدت کند و این اختیار را دارد که راه حلها و انتخاب‌های مختلفی را که ممکن است مورد پذیرش طرفین قرار گیرد را ارائه و پیشنهاد نماید (Mistelis, 2001: 88). ولی همواره باید وظیفه خود را بی طرفانه<sup>۲</sup> همراه با احترام به کرامت طرفین انجام دهند و زمینه رعایت احترام شرکت کنندگان نسبت به یکدیگر را فراهم آورد (کاپتین و همکاران، ۱۳۸۴: ۶). میانجیگر (چه دادرس باشد یا نه) نمی‌تواند خدمات حقوقی به طرفین مناقشه ارائه دهد و اظهار عقاید قانونی اش را نمی‌توان خدمات قانونی به حساب آورد (مهدی‌زادپایدار و عظیم‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۶۹). بر اساس مطالب ذکر شده در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به نقش مؤسسات مجری میانجی‌گری پرداخته می‌شود.

## مبانی نظری پژوهش

### میانجیگری

میانجیگری یکی از فرم‌ها و شیوه‌های حل و فصل اختلافات می‌باشد که خارج از حوزه و فضای رسیدگی قضایی شناخته و تقسیم بندی می‌شود و در جایی که طرفین در یک اختلاف یا مناقشه<sup>۳</sup> نسبت به بکارگیری مساعدت و همکاری شخص ثالث بی‌طرف جهت حل اختلاف یا مناقشه اقدام می‌نمایند. این شیوه متفاوت از سایر فرم‌های حل و فصل اختلافات جایگزین به مانند مذاکره سازشگری، داوری ارزیابی اولیه بی‌طرفانه می‌باشد و میانجیگری با حضور و محول نمودن کیفیت و کار به شخص بدون اینکه به‌عنوان شاهد (اسپنسر، ۲۰۰۶: ۵۰)، میانجیگری را می‌توان نوعی «مذاکره با واسطه» نامید. نقش میانجیگر ممکن است تسهیل‌گرانه یا ارزیابی‌گرانه باشد. به عبارت دیگر، میانجیگر ممکن است صرفاً به تسهیل کردن روابط و مذاکرات طرفین کمک نماید یا علاوه بر آن، ارزیابی تخصصی زمینه‌های مختلف اختلاف را نیز بر عهده بگیرد. در هر دو صورت، میانجیگر حق تحمیل نظر خود به طرفین را ندارد. برخی اصلاحگری و میانجیگری را مشابه دانسته و معتقدند که چون در هر دو روش غالباً از اصول و آئین مشابهی تبعیت می‌شود بنابراین این دو اصطلاح به جای هم قابل استعمال می‌باشند (شیروی، ۱۳۸۵: ۴۶). تقسیم میانجیگری به میانجیگری قضایی و غیرقضایی بر مبنای نحوه ارجاع اختلاف به میانجیگری صورت می‌گیرد. چنانچه طرفین خود توافق کنند که اختلاف را از طریق میانجیگری حل و فصل کنند با میانجیگری غیرقضایی یعنی میانجیگری خارج از دادگاه یا میانجیگری به موجب موافقتنامه مواجه هستیم. میانجیگری قضایی ناظر بر حالتی است که پس از طرح اختلاف در دادگاه و در اثنای رسیدگی به دعوا، قاضی اختلاف طرفین را به میانجیگری ارجاع کند. این روش بدان معنی است که رسیدگی به دعوا در دادگاه تا مشخص شدن نتیجه میانجیگری معلق می‌ماند و چنانچه تلاش میانجی جهت حل اختلاف مثمر نباشد، رسیدگی به دعوا در دادگاه از سرگرفته خواهد شد. ارجاع اختلاف به میانجیگری توسط دادگاه می‌تواند به پیشنهاد طرفین و یا به ابتکار خود قاضی صورت گیرد (tarzia, 2005: 22).

<sup>1</sup> Mediator's Responsibility to the parties

<sup>2</sup> Consent

<sup>3</sup> Conflict

## عدالت ترمیمی در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴

### ۱. اصلاح ذات البین

اصولاً اصلاح ذات البین و ایجاد تفاهم و زدودن کدورت ها و دشمنی ها و تبدیل آن به صمیمیت و دوستی، یکی از مهمترین برنامه های اسلامی است. ذات به معنی خلقت و بنیه و اساس چیزی است و بین به معنی حالتی ارتباطی و پیوندی میان دو شخص و یا دو چیز است، بنابراین اصلاح ذات البین به معنی اصلاح اساس ارتباطات و تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن عوامل و آسیب های تفرقه و نفاق است (بیستونی، ۱۳۸۸: ۲).

### ۲. قاضی تحکیم

این نهاد بنیادی برگرفته از آموزه های فقهی است و در قوانین موضوعه سابقه ای طولانی ندارد. قاضی تحکیم همان گونه که از فحوی ماده ۲۶۲ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۱ و متون فقهی استنباط می شود؛ نیازی به نصب از جانب امام یا دستگاه قضایی ندارد و آنچه در انتخاب آن مهم است این است که طرفین دعوا برای رسیدگی به جرم واقع شده با توافق یکدیگر به نزد وی رفته و با مشورت او فیصله دعوا کنند و بزه دیده حقوق از دست رفته را از بزه کار بستانند. بنابراین دعوای خصوصی که قابل اسقاط و مصالحه می باشد، از نظر پاسخ ها بدیل پذیر و متوقف بر توافق مشارکتی طرفین و رضایت خاطر بزه دیده است و همین خصیصه متمایز است که در گفتمان سیاست جنایی اسلام که مبتنی بر ایدئولوژی باز پذیری و نه امنیت گرا است، نقش دعوای خصوصی را که مقتضی دخالت شهروندان در پاسخ به بزه دیده هستند، با اهمیت جلوه می دهد (خویی، ۱۳۹۱: ۶۷).

### ۳. آیین خون بس

این آیین در طوایف لر و بختیاری کاربرد دارد. در بین اقوام ایرانی ایل بختیاری بزرگترین و وسیع ترین جامعه انسانی محسوب می شود که اختلاف ها و مشکلات خودشان را بوسیله داوری و حکمیت و آنچه از منظر تشکیلات علم حقوق میانجیگری نامیده می شود حل و فصل می کردند و همان طور که از واژه خون پیداست عمدتاً نیز برای قتل عمد به کار می رود. (بختیاری، ۱۳۶۳: ۱۱۴)

### ۴. آیین فصل

فصل به معنای لغوی به معنی جداسازی، بریدن، وساطت، و مداخله بین متنازعین است و در اصطلاح فصل یعنی جبران و ترمیم خسارات وارده به بزه دیده. برخی دیگر عقیده دارند فصل در اصطلاح عبارت است از: احکام، آیین، نهاد و سنت های موروثی حل اختلاف جزایی و حقوق که غیرمکتوب و غیرمدون بوده و به منظور جبران خسارات وارده به بزه دیده اجرا می شوند (دانا، ۱۳۸۴: ۵۰). برخلاف بسیاری از تاسیسات حقوقی که مبنای نهادینه شدن آنها، مبانی نظری و عقلی است که بروز آنها در عالم خارج به صورت عملی و عینی خواهد بود میانجیگری کیفی از دیرباز در جوامع مختلف به طور عملی پا به عرصه وجود گذاشته است. مطالعه تاریخ اقوام نشان خواهد داد که هر گاه خصوصیتی بین طرفین ایجاد یا وقوع جرمی حادث می گردد بزرگان و سران قبیله یا قوم را بر آن داشته تا موضوع را با حکمیت و میانجیگری حل و فصل نمایند.

**۵. آیین پتر<sup>۴</sup>**

پتر را می‌توان به معنی پذیرش قصور و اشتباه تلقی کرده، بدین صورت که اگر بین دو شخص یا دو قوم اختلافات شخصی، خانوادگی و فامیلی به وجود آمده باشد، یا در اثر درگیری و برخورد کسی زخمی یا کشته شود، در این موارد جهت جلوگیری از گسترش دامنه اختلاف و انتقام‌گیری، بزرگان طایفه، به همراه شخص خطاکار برای اظهار ندامت و پیشیمانی و پذیرفتن اشتباه خود و ارزش و احترام دادن به مظلوم و زیان دیده به خانه او رفته و ضمن قبولی تقصیر از او معذرت خواهی می‌کنند و حاضر به پرداخت خسارت می‌شوند که در اکثر موارد متهم و خطاکار بخشیده می‌شود و خساراتهای پرداخت شده او بعد از مدتی به او برگردانده می‌شود (عشایری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

**۶. آیین برائت در استان فارس**

نوعی خون بس موقت است، در شرایط جنگی که مسئله بود و نبود ایل مطرح بوده است، بین دو خانواری که با هم «خون دار» بوده اند، با وساطت سادات و ریش‌سفیدان و بزرگان، پیمانی به نام «پیمان برائت» منعقد می‌شد و سپس با خیال راحت در کنار هم علیه دشمن می‌جنگیدند (شهبازی، ۱۳۶۶: ۱۵۹). در واقع با این پیمان اولویت‌های موجود در ایل را در نظر می‌گرفتند و با وساطت بزرگان قوم و سادات سعی می‌کردند خانواده‌ها را بر علیه دشمن بیرونی متحد کرده تا به مساله اصلی ایل برسند و پس از آن به اختلافات خود رسیدگی کنند. در اکثر مواقع نیز این پیمان با شرایطی که گفته شد موجب رفع کدورت و همدلی بیش از پیش بین خانواده‌ها و مردم ایل می‌شد. لذا می‌توان این نوع پیمان یا خون بس موقت را روشی هوشمندانه و عاقلانه در استان فارس دانست که باعث اتحاد و همدلی و جلوگیری از گسست ایل و طایفه در مقابل بیگانگان می‌شد.

**۷. آیین خون داری در استان فارس**

بزرگترین جرم در بین قبایل فارس، قتل نفس است. در مواقعی که قتلی اتفاق می‌افتد، خانواده مقتول خود را خون دار به حساب می‌آورد و حق مشروع خود می‌داند که قتل را تلافی کند. حق خون داری به پدر، برادران و پسران مقتول انتقال می‌یابد و در صورت فقدان آن به خویشاوندان درجه دوم او تعلق می‌گیرد. در مسئله خون داری طایفه مقتول به حمایت از خون دار بر می‌خیزد و مجموع طایفه خود را خون دار می‌دانند. تا وقتی خون داری به مرحله خون بس نرسد، این تلاش و ستیز ادامه خواهد یافت (بهمن بیگی، ۱۳۸۰: ۳۰).

**اصول حاکم بر فرآیند میانجیگری**

میانجیگری با توجه به اصول اساسی ویژگی‌هایی دارد بدین سان اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند و تغییر در هر یک از این اهداف فرآیند عدالت ترمیمی را دچار مشکل و اختلال خواهد کرد (استرانگ، ۱۳۹۵: ۱۹) و تاکید بر این است که فرآیند نیز مانند نتیجه مهم است و از طریق اعمال این اصول و اهداف بحث پیشگیری مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های عدالت ترمیمی تقویت اجتماع برای پیشگیری از جرم در آینده است (محمودی جانکی، ۱۳۹۵: ۸۷). در این فرآیندها اتفاقی که می‌افتد این است که بدون تبعیض و سوگیری، بزه دیده و بزه کار مورد حمایت قرار می‌گیرند. نکته قابل تأمل این است که صرف وارد شدن به پدیده میانجیگری باعث نمی‌شود افراد حقوق قانونی خود را از دست دهند زیرا قواعد میانجیگری بر

<sup>4</sup> Pattar tradition

مشتری محور بودن راه حل ها، به جای روش های تحمیلی تأکید دارد (عابدی نژاد مهرآبادی، ۱۳۹۵: ۶۶). گلاسن در خصوص یکی از اصول فوق می نویسد: «عدالت ترمیمی ترجیح می دهد پاسخ و واکنش به بزه در اولین لحظه ممکن انجام شود و این پاسخ باید با حداکثر میزان همکاری داوطلبانه و کمترین میزان اعمال فشار صورت بگیرد» (classen, 1996: 4).

### ۱. حمایت از بزه دیده و بزه کار در فرآیند میانجیگری

ممکن است بزه دیده و بزه کار در یک فرآیند میانجیگری دارای قدرت و جایگاه مساوی نباشند به طور مثال از لحاظ طبقاتی یا تحصیلی در موقعیت های نابرابری باشند در بحث حمایت باید دو نکته را مدنظر قرار داد در وهله اول تلاش در جهت ترمیم رابطه بین کنشگران پدیده مجرمانه و در وهله بعد جبران خسارت های وارده بر بزه دیده باید مدنظر قرار داده شود. در این راستا به عنوان مثال تحمیل اموری همچون جمع آوری زباله ها که جنبه مجازات آن بیشتر از ترمیم است نباید صورت گیرد (رایت و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰). در فرآیندهای میانجیگری حتی عواملی مثل آداب و رسوم هم باعث خوردن این توازن می شود به طوری که هر طرف ممکن است احساس کند در این فرآیند مورد حمایت قرار نگرفته است.

### ۲. اصل غیر علنی و محرمانه بودن فرآیند میانجیگری

این اصل در قانون ایران و قوانین کشورهای مختلف من جمله بلژیک مورد توجه قرار گرفته شده است (EU, 2012: 2). طرفین نیز به رعایت اصل محرمانه بودن متعهد می شوند مبنای این تعهد در حقوق فرانسه یک مبنای قراردادی است و وجود تعهد ضمنی میان طرفین قرارداد است. ماهیت قراردادی به این شکل است که به طرفین تعهد ضمنی دوجانبه ای را در خصوص رعایت اصل محرمانه بودن تحمیل می کند (loquin, 2006: 324). استثنای اصل محرمانه بودن ویژه مواردی است که نقض آن مجاز شمرده می شود بی آنکه توافقی میان طرفین در این خصوص وجود داشته باشد گاه قانون به طرفین افشا کردن و یا شفافیت را تحمیل می کند که در این صورت اراده طرفین تاب مقاومت در مقابل نظم عمومی را ندارد (loquin, 2006: 345). و همچنین اگر در جریان حل اختلاف جرم خاصی کشف شود که به لحاظ اهمیت، افشای آن را ضروری ساخته باشد باید به این تکلیف قانونی عمل گردد (kovach, 2005: 373). یا مانند مواردی که نیاز است کودکان مورد حمایت قرار بگیرند و از آن ها در برابر آسیب های فیزیکی و تمامیت شخصیت شان محافظت شود یا زمانی که توافق به افشای محتوای به دست آمده در نتیجه میانجیگری شده باشد استثنائاتی مشابه در قانون میانجیگری بلغارستان که سرسختانه پیگیر دستور العمل میانجیگری است وجود دارد (Eu, 2012: 2-8).

### ۳. بازپروری

برنامه های میانجیگری توجه محسوسی به حمایت از بزه کار و بستر سازی جهت بازپروری وی دارد. او نیز مانند بزه دیده فرصت صحبت پیدا می کند درباره علل ارتكابی جرم صحبت می کند و زمینه ای برای اصلاح وی ایجاد می شود در این حالت امکان بازپروری بسیار زیاد خواهد بود که از فواید آن می توان گفت امکان ارتكاب بزه در آینده کاهش می یابد. همچنین حس ندامت و شرمساری در بزه کار مانع از تکرار جرم در آینده توسط وی می شود. رویارویی صورت گرفته در طی میانجیگری اثر بسیار مهمی در تحقق شرمساری بازپذیرکننده در بزه کار و در نتیجه بازگشت وی به جامعه خواهد داشت. این شرمساری به دور از اکراه و حقارت است و عذرخواهی و طلب بخشش از بزه دیده یا بزه دیدگان را نیز به همراه دارد. (قریشی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

#### ۴. مشارکت

حق به جریان انداختن فرآیند دادرسی و در پاره ای از پرونده ها حتی حق کنترل و هدایت جریان دادرسی به بزه دیده داده شده است، ولی هیچ کشوری به بزه دیده اجازه دخالت در تعیین مجازات را نمی دهد (جاکوآر، ۱۳۹۳: ۴۸). بزه کاران و بزه دیدگان با انگیزه های متفاوتی در این برنامه های میانجیگری مشارکت می کنند که در میزان مشارکت آن ها تأثیر می گذارد. بزه دیدگان به دلایلی از جمله آشکار کردن دیدگاه و احساس خود و مسئول شناختن بزه کاران برای کارهایی که مرتکب شده اند ورود پیدا می کنند تا از این راه زبان هایشان ترمیم یابد و پاسخی برای پرسش هایشان بیابند و بزهکاران نیز برای مشارکت دلایل مختلفی دارند، بسیاری از آن ها جهت پرهیز از دادگاه، رهایی از احساس گناه از طریق گفت و گوی رو در رو با بزه دیدگان و جبران و بازگرداندن آنچه که متعلق به بزه دیده است را به عنوان دلیل بیان می دارند. (انگلرچ، ۱۳۹۳: ۱۴۰۷).

#### قلمرو میانجی‌گری در جرائم

##### ۱. قلمرو میانجی‌گری کیفری در حدود

متن ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ نشان می دهد ارجاع دعاوی به میانجیگری، حدود را شامل نمی شود و در این زمینه می توان گفت اعتقاد قانونگذار بر این بوده که در حدود توسل به فرایند عدالت ترمیمی جایز نیست، این درحالی است که به نظر می رسد ممنوعیت توسل به میانجیگری در حدود حداقل به صورت مطلق نباشد (غلامی دون و سودانی سادری، ۱۳۹۸: ۱۳۴). با نگاهی به قوانین موجود می توان گفت:

۱- ماده ۱۱۴ ق.م.ا ۱۳۹۲ توبه مجرم قبل از اثبات جرم و یا بعد از آن با لحاظ شرایطی را موجب سقوط مجازات و یا درخواست عفو از مقام رهبری دانسته در این زمینه میانجیگری می تواند زمینه ساز اصلاح و توبه باشد.

۲- نظر به ماده ۲۵۵ ق.م.ا ۱۳۹۲ حد قذف قابل گذشت است در نتیجه می توان گفت که قذف در هر مرحله قابل ارجاع به میانجیگری است و از این لحاظ هیچ گونه محدودیتی برای آن قابل تصور نیست.

۳- با توجه به مفهوم ماده ۲۶۸ ق.م.ا ۱۳۹۲ در سرقت حدی قبل از شکایت مال باخته نزد حاکم (رفع الامر الی الحاکم) طرفین می توانند به میانجیگری متوسل شوند.

همچنین به خاطر اینکه بعد از شکایت و قبل از اثبات جرم نیز با گذشت شاکی حد ساقط می شود این موضوع به مرحله بعد از شکایت نیز قابل تعمیم است. بهترین راه برای جلب رضایت و گذشت شاکی در این موارد استفاده از فرایند برنامه های عدالت ترمیمی از جمله میانجیگری است. توضیح آنکه با استفاده از ترفندهای فوق می توان مانع ورود پرونده های حدی به چرخه کیفری و اعمال مجازات شد. با توجه دادن قضات به این موضوع و همچنین با نهادینه ساختن موضوع مهم بزه پوشی در میان اعضای دادسرا و ضابطین دادگستری می توان از عفو حاکم به عنوان حربه ای جدی در جهت استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی و جبران خسارتها از بزه دیده، استفاده کرد (غلامی دون و سودانی سادری، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۵).

##### ۲. قلمرو میانجی‌گری در تعزیرات

بنابر تصریح ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ قلمرو میانجیگری در جرائم تعزیری شامل جرائم ۷ و ۸ است یعنی باتوجه به میزان شدت درجه بندی، سه درجه خفیف جرائم، تعزیری درجه ۶ را شامل می شود و در مجموع جرائم تا دو سال حبس تعزیری را پوشش می دهد. قانونگذار مجازات تعزیری را برای جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت پیش بینی کرده است و با تفکیک این

دو نوع از جرائم، جرائم قابل گذشت را به طور کلی در هر درجه با توجه به خصوصی بودن آن‌ها قابل ارجاع به شوراهای حل اختلاف دانسته است و در مورد جرائم غیرقابل گذشت به جنبه خصوصی آن‌ها اکتفاء شده است (غلامی دون و سودانی سادری، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۵).

### ۳. قلمرو میانجیگری در قصاص و دیات

یکی از مهم ترین و عمده ترین موارد استفاده از میانجیگری کیفری در ایران موارد قصاص است که معمولاً به صورت عرفی در اکثر نقاط کشور اجرا می شود. درحالی که سیستم عدالت کیفری رسمی مردم را برای تماشای اجرای قصاص دعوت می کند، میانجیگران و مصلحان اجتماعی مردم را به درب منزل صاحب حق قصاص دعوت می کنند تا بست بنشینند و از قصاص های غیرضروری پیشگیری کنند. قانون مجازات اسلامی با پیروی از فقه، قصاص را برای جنایات عمدی مادون نفس، حق مجنی علیه و در قتل، حق ورثه می داند؛ بنابراین اختیار تعیین مجازات برای بزه دیده ها و علاوه بر آن جنبه عمومی جرم نیز پیش بینی شده است

درخصوص جرایمی که مجازات آن‌ها قصاص است به استناد ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ قاضی رسیدگی کننده موظف به سعی و تلاش برای ایجاد صلح و سازش با هماهنگی با طرفین است. این اختیار قانونگذار برای قضات مربوط به اموری است که با صلح طرفین پرونده خاتمه می یابد. در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ باتوجه به بند (ب) ماده ۱۳ گذشت در جرائم قابل گذشت باعث سقوط مجازات است و لذا قصاص باتوجه به این شرح قابل گذشت و مصالحه است. در عرف اجتماعی ایران مهم ترین کاربرد میانجیگری در جرائم مشمول قصاص و به ویژه قصاص نفس است و دراین راستا آیین های سنتی فصل، خون بس و پتر قابل اشاره و بررسی است. درهرصورت ارجاع پرونده به گروه های اجتماعی و استفاده از ظرفیت و پتانسیل های عدالت ترمیمی تاکنون منافع زیادی برای جامعه ایران داشته و ازاین پس نیز خواهد داشت؛ اما در متن ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۹۳۲ اثری از ارجاع مجازات قصاص به میانجیگری وجود ندارد، ولی باتوجه به ماده ۸ قانون شوراهای حل اختلاف ۱۳۹۴ می توان موضوعات قصاص را به این شوراها برای وساطت و میانجیگری ارجاع داد. به نظر می رسد قانونگذار می توانست گستره این موضوع را در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۹۳۲ به صورت صریح و روشن تبیین کند تا قلمرو میانجیگری موضوع این ماده گسترده تر، کارآمدتر و بهینه سازی شود.

درعمل، دیه بهترین وسیله برای جبران خسارت بزه دیده های جرائم عمدی از رهگذر فرآیند میانجیگری است که باتوجه به حالت مجرمانه و اوضاع واحوال واقعه، کمتر یا بیشتر از دیه تعیینی از طرف شرع و قانون در نوسان است. نمودهای این روش از اصول آیین های فصل اعراب، خون بس از اقوام بختیاری، خون صلح در اقوام کرد، پتر (پناهندگی) اقوام بلوچ و دیگر رسومات میانجیگری جامعه در نقاط مختلف کشور است. مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ ق.م.ا ۱۳۹۲ دیه مقدر و غیرمقدر را تعریف کرده است. ماده ۴۵۲ قانون مذکور دیه را حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم می داند. دیه قابل مصالحه، ابراء و تهاتر است و همچنین پرداخت کننده آن ممکن است دولت، مجرم یا عاقله او باشد. شرایط دیه برای ارجاع به میانجیگری همانند قصاص است.



## میانجی‌گری در آیین نامه میانجی‌گری مصوب ۱۳۹۴

### ۱. میانجی‌گری در سیستم قضایی ایران

میانجیگر معمولاً از میان ریش‌سفیدان و معتمدان محلی یا دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف با اولویت مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و فقه و مبانی حقوق انتخاب می‌شود. فهرستی از اشخاص واجد صلاحیت میانجی‌گری در هر حوزه قضایی توسط رئیس حوزه قضایی محل تهیه می‌گردد و البته تهیه این فهرست صرفاً جهت تعیین اولویت بوده و مانع از ارجاع امر میانجی‌گری به سایرین نمی‌باشد و چنانچه مقام قضایی تشخیص دهد می‌تواند شخص دیگری را جهت میانجی‌گری در یک اختلاف برگزیند.

میانجیگران در واقع اشخاص حقیقی و حقوقی بی‌طرفی هستند که وظیفه مدیریت جلسات و تسهیل گفتگو را برعهده دارند و مطابق با ماده ۱۷ آیین نامه میانجی‌گری نباید هیچکدام از طرفین را به منظور رسیدن به توافق و امضای آن در معرض تهدید یا اجبار قرار دهد و آنچه بیش از پیش اهمیت دارد این است که در مدیریت جلسات بین بزه‌دیده و بزه‌کار به ترتیبی عمل نماید که بزه‌دیده مجدداً دچار بزه‌دیدگی نشده و طرفین با رعایت احترام و بدون توسل به تهدید و خشونت با یکدیگر گفتگو کنند. یکی از وظایف اصلی و مهم در امر میانجی‌گری سرعت در انجام کار است چنانچه ماده ۱۵ آیین نامه میانجی‌گری به صراحت اشاره می‌کند که میانجیگر موظف است وظایف میانجی‌گری را در اسرع وقت پس از ارجاع موضوع از طرف مقام قضایی آغاز کند و جلسه یا جلسات میانجی‌گری را حداکثر در مهلت تعیین شده توسط مقام قضایی (که مهلتی سه ماهه است و به تشخیص مقام قضایی قابل تمدید به حداکثر سه ماه دیگر است) تشکیل دهد و گزارش فعالیت خود و اظهارات طرفین و نتیجه آن را صورت مجلس نماید. میانجیگر باید اهداف، آثار میانجی‌گری و نیز موضوع مورد اختلاف یا جرمی را که موجب میانجی‌گری شده را برای شاکی و متهم به صورت صریح و شفاف توضیح دهد و جای هیچ‌گونه ابهامی وجود نداشته باشد و در نهایت زمینه استماع، اظهار نظر و مذاکرات اختلاف را با رعایت اصل گفتگوی میان طرفین و تلاش آن‌ها برای تبادل نظر و رسیدن به توافق بوجود آورد.

پس از سلسله اقدامات خاص میانجی‌گری از جمله برگزاری و مدیریت جلسات و تسهیل گفتگوی بین طرفین با رعایت بی‌طرفی کامل چنانچه منجر به حصول نتیجه مطلوب نگردد مؤسسات میانجی‌گری و میانجیگران می‌بایست مستند به ماده ۲۴ آیین نامه میانجی‌گری، ارجاع مجدد قضیه به فرآیند رسمی رسیدگی کیفری را به آن‌ها اعلام نمایند.

### ۲. مؤسسات میانجی‌گری

موسسه میانجی‌گری، موسسه‌ای است که فرآیند گفتگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل می‌کند و اینگونه مؤسسات مطابق با قوانین و مقررات حاکم بر مؤسسات غیر تجاری تاسیس می‌گردند. البته سایر مؤسسات نیز بنا به تشخیص مقام قضایی و با توجه به نوع اختلاف می‌توانند در امر میانجی‌گری شرکت کنند. چنانچه مقام قضایی به این نتیجه برسد که موضوع اختلاف را جهت میانجی‌گری به موسسه‌ای ارجاع دهد، مسئول آن موسسه در خصوص فعالیت‌های مرتبط با میانجی‌گری باید به قاضی ارجاع دهنده یا مسئول پیگیری پرونده کیفری گزارش دهد.

برای ایجاد موسسه میانجی‌گری از سوی افراد متقاضی، علاوه بر دارا بودن شرایط مقرر در ماده ۱۰ آیین نامه میانجی‌گری و فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری باید دارای مدرک کارشناسی در یکی از رشته‌های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روان

شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و فقه و مبانی حقوق باشند. قانونگذار ایران کارکنان شاغل در قوه قضاییه اعم از قضایی و اداری و همچنین ضابطان دادگستری را از ورود به مبحث تقاضای ایجاد موسسه میانجیگری منع نموده است. ماده ۱۳ آیین نامه میانجیگری به آموزش به عنوان یکی از موارد اصولی و برجسته در امر میانجیگری اشاره و مقرر نموده است که فارغ‌التحصیلان هر یک از رشته‌های مذکور در ماده ۱۲ این آیین نامه باید آموزش‌های لازم جهت میانجیگری در امور کیفری را طی نمایند.

ماده ۱۳ یکی از پیش شرط‌های واجب در بهبود کیفیت کار مؤسسات میانجی‌گری است که معاونت منابع انسانی قوه قضاییه با همکاری گروه‌های علمی و دانشگاهی ذیربط و همچنین مؤسسات و مراکز آموزشی دولتی و غیردولتی را به تهیه سر فصل‌های مصوب اداره آموزش قوه قضاییه و تحت نظارت آن مجموعه ترغیب و موظف نموده است تا در خصوص مفاهیم مربوط به جرم، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی، انواع جرائم، آثار جرم، بزه دیده، بزه کار و اجتماع، روش‌های میانجیگری و مهارت‌های مربوطه، وظایف و تکالیف میانجی، آیین رسیدگی به جرائم، چگونگی مدیریت جلسات رسیدگی به اختلافات طرفین در امور کیفری و سایر موارد به مؤسسات میانجیگری یا شخص میانجیگر، آموزش‌های لازم را فرا دهند. به منظور احراز صلاحیت موسسه و صدور پروانه میانجیگری، هماهنگی، برنامه ریزی، ایجاد وحدت رویه و نظارت بر فعالیت مؤسسات میانجیگری و ابطال پروانه مذکور در سراسر کشور مرکز امور میانجیگری در معاونت منابع انسانی قوه قضاییه تشکیل می‌شود و هر موسسه میانجیگری برای مدت ۳ سال صرفاً در همان محلی که در مجوز درج شده دایر می‌گردد و در صورت تشخیص مرجع صدور گواهی میانجیگری به تجدید دوره آموزش میانجیگران و بازآموزی آن‌ها، میانجیگران اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی میانجی‌گری موظف به شرکت در دوره‌های مذکور و اخذ گواهی مربوط می‌باشند.

### ۳. تشکیلات و نحوه ارجاع به میانجیگر

کلیه امور مربوط به میانجیگری در سیستم قضایی ایران در دادسرا یا دادگاه زیر نظر دادستان عمومی و انقلاب یا رئیس حوزه قضایی محل در صورت وجود ساماندهی می‌شود. به استناد ماده ۲ آیین نامه میانجیگری مصوب سال ۹۴ دادستان یا رئیس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به احد از معاونین خود ارجاع دهد. ارجاع موضوع حل اختلاف از طریق میانجیگری در هر صورت می‌بایست توسط دادستان یا رئیس حوزه قضایی صورت گیرد.

بازپرس که مسئول تحقیق پرونده ارجاعی از سوی دادستان است چنانچه در اثنای تحقیقات تشخیص دهد که احتمال حل موضوع مورد اختلاف از طریق میانجیگری و سازش وجود دارد، درخواست کننده ارجاع اختلاف به امر میانجیگری است اما در نهایت دادستان است که باید نظر نهایی را در خصوص پذیرش یا رد درخواست ارجاع امر میانجیگری به بازپرس اعلام نماید و نباید اینطور تلقی شود که بازپرس ارجاع دهنده دعوی به میانجیگری است بلکه در واقع بازپرس تشخیص دهنده اولیه و پیشنهاد دهنده امر است و تشخیص نهایی برعهده دادستان است و چنانچه طرفین اختلاف در جلسات میانجیگری حضور نداشته باشند و گزارش میانجیگر نیز حاکی از عدم امکان برگزاری جلسات میانجیگری باشد، بازپرس پس از موافقت دادستان نسبت به لغو میانجیگری اقدام و رسیدگی را ادامه می‌دهد.

برای ارجاع امر میانجیگری شرایطی چون وجود جرائم تعزیری درجه شش و هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق باشد و درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و البته با اخذ تأمین مناسب باشد و البته اخذ تأمین در اینگونه موارد اجباریست نظارت بر امر میانجیگری حسب مورد بر عهده مقام قضایی ذیربط که پرونده کیفری نزد او مطرح است، می‌باشد.

ماده ۳۰ آیین نامه اجرایی میانجیگری به موضوع تعلل و تاخیر غیر موجه میانجیگر در برگزاری جلسات میانجیگری پرداخته و چنانچه میانجیگر مربوطه موسسه میانجیگری باشد که پروانه میانجیگری داراست را در مرتبه اول موجب تذکر کتبی و در مرتبه دوم توبیخ کتبی و در صورت تکرار ابطال پروانه یا مجوز میانجیگری دانسته است و در مورد اشخاص فاقد پروانه نیز اگر در امر میانجیگری مرتکب کوتاهی شده باشد از لیست اشخاص صلاحیت دار حوزه قضایی خارج خواهد شد و در مورد تخلفات شوراهای حل اختلاف مطابق قوانین مربوطه عمل خواهد شد.

ماده ۲۵ آیین نامه میانجیگری و تبصره های ۱ و ۲ آن، ویژگی های گزارش میانجیگر و مؤسسات میانجیگری را شامل تنظیم مفاد صورتجلسات، انعکاس صورت جلسات به صورت خلاصه، امضای طرفین اختلاف در صورتجلسه و در صورت امتناع موضوع در صورتجلسه قید شود، اشاره به وضعیت کلی بزه دیده و آثار روانی، جسمانی و مالی جرم نسبت به وی، مراتب ندامت یا عذرخواهی متهم تلاش یا عدم تلاش وی جهت جبران آثار جرم و التیام بخشیدن به آلام بزه دیده، ذکر کلیه جزئیات، تعهدات و حقوق آن‌ها به صورت مکتوب و بدون ابهام، تفهیم موارد مکتوب در گزارش به طرفین اختلاف و تحویل صورتجلسه به مقام قضایی پیگیری کننده موضوع کیفری می داند.

#### ۴. مؤسسات میانجیگری در نظم کنونی کیفری ایران

پس از پیش بینی مواد قانونی ارجاع موضوعات کیفری به امر میانجیگری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و تصویب آیین نامه میانجیگری در سال ۱۳۹۴، فرآیند دعوت از متقاضیان تاسیس این مؤسسات و افراد واجد شرایط موضوع مواد ۱۰ و ۱۲ آیین نامه میانجیگری در پاییز سال ۱۳۹۷ آغاز شد و مصاحبه دعوت شدگان مرحله اول نیز از اردیبهشت ۹۸ ادامه پیدا کرد اما پس از انجام برخی مصاحبه ها و در پی واگذاری ادامه فرآیند به مرکز توسعه حل اختلاف مراحل جذب این افراد متقاضی تاسیس مؤسسات میانجیگری متوقف شده بود اما خوشبختانه به نظر میرسد با برنامه رزی های انجام شده در مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضاییه، پس از حدود یک سال توقف فرآیند جذب پذیرفته شدگان مرحله اول میانجیگری، از افرادی که در کلیه مراحل مصاحبه و گزینش پذیرفته شده اند تا پایان آذرماه سال ۱۳۹۹ جهت گذراندن دوره های آموزشی دعوت به عمل می آید و همچنین افرادی که موفق به طی مراحل مصاحبه و گزینش نگردیده اند تا پایان آبان ماه ۱۳۹۹ جهت انجام فرآیند مصاحبه و گزینش دعوت خواهند شد و در بهمن ماه ۱۴۰۰ نیز آزمون جذب همکاری میانجیگری توسط همین مرکز در قوه قضاییه برگزار خواهد شد.

به دلیل تخصصی بودن نوع مدیریت طراحی شده برای این نوع مؤسسات و بکارگیری افراد متخصص در آن‌ها، چنانچه این مؤسسات بتوانند مبتنی بر اصول و ویژگی های راهبردی خاص تعریف شده در گفتمان عدالت ترمیمی همچون گذر از نگاه دولت محوری و غیره باشند، بدون شک باتوجه به پتانسیل بالای فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان در استفاده از میانجیگری در طول سالیان متمادی، چنانچه سیستم قضایی ایران به نهاد میانجیگری و مؤسسات میانجیگری اعتماد نماید، می توانیم شاهد باشیم که این مؤسسات، سهم والایی در پاسخی فرابالنده به جرم از جمله؛ کاهش تورم کیفری پرونده ها، تحقق حل و فصل اختلافات با زبان مفاهمه، التیام و ترمیم روابط سهامداران کیفری، رفع خصومت، کاهش هزینه های عدالت کیفری و غیره می توانند داشته باشند.

## نتیجه گیری

میانجیگری فرآیندی است که طی آن بزه دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضایی مناسب، در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارات ناشی از آن گفتگو می‌کنند و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌شود. در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن به این موضوع پرداخته شده است. برابر قانون، میانجیگرها عبارت‌اند از شورای حل اختلاف و همچنین شخص یا مؤسسه‌ای که فرایند گفتگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل کند. این مؤسسه‌ها باید تاسیس شوند و قواعد حاکم بر آن‌ها همان‌هایی است که بر مؤسسه‌های غیرتجاری حاکم است. البته بعد از تاسیس این مؤسسه‌ها، پرونده‌ها به تشخیص مقام قضایی به آنان ارجاع می‌شود. افرادی که تمایل به افتتاح این مؤسسه دارند، علاوه بر صلاحیت محلی مثل خوشنامی و تابعیت جمهوری اسلامی و ۲۵ سال سن، باید فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشند. برای افتتاح چنین مؤسسه‌ای، داشتن مدرک کارشناسی در یکی از رشته‌های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و فقه و مبانی حقوق لازم است.

البته متقاضیان باید دوره‌های میانجیگری را نیز بگذرانند. کارکنان شاغل در قوه قضاییه اعم از قضایی و اداری و همچنین ضابطان دادگستری نمی‌توانند متقاضی ایجاد مؤسسه میانجیگری شوند. معاونت منابع انسانی قوه قضاییه با همکاری گروه‌های علمی و دانشگاهی مربوط باید چگونگی آموزش میانجیگران و مواد آموزشی، مهارت‌ها و دانش لازم برای آن‌ها را مشخص کند. مؤسسات و مراکز آموزشی دولتی و غیردولتی نیز می‌توانند بر اساس سرفصل‌های مصوب اداره آموزش قوه قضاییه و تحت نظارت آن، برای آموزش میانجی‌ها اقدام کنند. متقاضیان تاسیس این مؤسسات باید در خصوص مفاهیم مربوط به جرم، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی، انواع جرائم، آثار جرم بر بزه دیده و بزه‌کار و اجتماع، روش‌های میانجیگری و مهارت‌های لازم، وظایف و تکالیف میانجیگر، آیین رسیدگی به جرائم و چگونگی مدیریت جلسات رسیدگی به اختلافات طرفین در امور کیفری، آموزش‌های لازم را فراگیرند. نهایتاً به تشخیص مقام قضایی، موضوعات کیفری می‌تواند به مؤسسه میانجیگری ارجاع شود.

در انتها پیشنهاد می‌شود به وکلا و میانجیگران حرفه‌ای اجازه لازم برای تبلیغات مؤسسات میانجیگری و ارائه و نشان دادن توانایی هایشان، داده شود که در این صورت طرفین اختلاف راحت‌تر می‌توانند در انتخاب میانجیگر تصمیم‌گیری نمایند و جامعه از نتایج مثبت مؤسسات میانجیگری آگاه شود. همچنین صندوقی برای کمک به مؤسسات میانجیگری (و افرادی که توانایی رجوع به میانجیگران را از لحاظ دستمزد ندارند) ایجاد شده تا افراد سهولت و دسترسی بیشتری به نهاد میانجیگری داشته باشند.

## منابع

۱. استرانگ، هیتز، (۱۳۹۵)، نشأت‌ها عدالت ترمیمی، یافته‌ای پژوهشی ده سال، کتاب چکیده مجموعه مقالات همایش عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، چاپ اول، میزان.
۲. اعظمی، محسین، (۱۳۹۱)، میانجیگری کیفری در حقوق ایران با رویکرد فقهی، سومین کنفرانس ملی علوم انسانی اسلامی.
۳. انگلبرج، کریستین، (۱۳۹۳)، میانجی‌گری میان بزه دیده و بزه‌کار، چالش‌ها و راهکارها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، چاپ اول، میزان.

۴. بهمن بیگی، محمدبهمن، (۱۳۸۰)، عرف و عادات در عشایر فارس، تهران، بنگاه آذر.
۵. بیستونی، محمد، (۱۳۸۸)، تفسیر جوان (برگرفته از تفسیر نمونه)، ناشر بیان جوان.
۶. دانا، امیررضا، (۱۳۸۲)، جلوه های عدالت ترمیمی در نظام کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
۷. شهبازی، عبدالله، (۱۳۶۶)، ایل ناشناخته (پژوهشی در کوه نشینان سرخی فارس)، تهران، نشر نی.
۸. شیروی، عباس، (۱۳۸۵)، پارادایم های عدالت کیفری، عدالت سزادهنده و عدالت ترمیم، مجله دانشده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵.
۹. عشایری، طاهرا، جهانی دولت آبادی، اسماعیل، عباسی، الهام، (۱۳۹۷)، بررسی جامعه شناختی تاریخی ساز و کارهای مدیریت نزاع های ایلی طایفه ای در جوامع روستایی ایران، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۳.
۱۰. غلامی دون، حسین، سودانی سادری، بدر، (۱۳۹۸)، قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرائم در حقوق موضوعه ایران، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۳.
۱۱. محمودجانکی، فیروز، (۱۳۹۵)، تحول مفهوم حق در عدالت ترمیمی و کارکرد پیشگیرانه آن، چکیده مجموعه مقالات همایش عدالت ترمیم و پیشگیری از جرم، چاپ اول، میزان.
۱۲. مصدق، محمد، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری بر مبنای قانون جدید مصوب ۱۳۹۲، چاپ چهارم، جنگل.
۱۳. مهدیزادپایدار، مهدیه، عظیم زاده، شادی، (۱۳۹۶)، بایسته های میانجی گیری کیفری در بوتی سیاست تقنینی نوین ایران (با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه میانجی گیری کیفری)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سار دوازدهم، شماره ۴۳.
۱۴. میوه یان، میلاد، (۱۳۹۷)، بررسی جزایی میانجیگری در دادرسی کیفری، فصلنامه حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره ششم.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسن، (۱۳۸۲)، میانجیگری جلوه ای از عدالت ترمیمی، دیباچه مصطفی عباسی (افقهای نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری) نشر دانشور.
16. EU Handbook Mediation. (2012). Mediation Law & Practice in Other EU Countries; Available from: [http://mediation-net.eu/pdf/books/analysis\\_concise\\_text2.pdf](http://mediation-net.eu/pdf/books/analysis_concise_text2.pdf).
17. Kovach, K.K. (2005). Mediation, the Handbook of Dispute Resolution, Moffitt, M. L. & Bordon, R.C (Edifors), Jossey-Bass.
18. Loquin, E. (2006), Les Obligations de Confidential Dans L'Arbitrage, Revue de L'Arbitrage, N.2.